

منطق استنباط قوانین

فرهاد ادریسی



انتشارات صفوی

ادریسی . فرهاد . ۱۳۴۱-
منطق استنباط قوانین / فرهاد ادریسی .
زنجان : صفوی . ۱۳۸۳ .
۱۷۶ ص .

ISBN 964-95440-0-3 : ۱۰۰۰۰ ریال
فهرست نویسی بر اساس اطلاعات فیبا .
کتابنامه : ص . ۱۷۳-۱۷۴

۱ . اصول فقه . الف . عنوان .
م ۸ ع الف / ۱۵۵ BP
۲۹۷/۳۱
م ۸۳-۲۹۷۵



انتشارات صفوی

زنجان . خیابان زینبیه . ساختمان صدرا
تلفن : ۵ و ۴۴۴۳۳۳۲۴۱-۰۲۴۱

عنوان : منطق استنباط قوانین

تالیف : فرهاد ادریسی

امور فنی و آماده سازی : رسا (زنجان)

طرح روی جلد : لیلا هاشمیان

حروفچینی : راحیل رایانه

چاپ اول : بهار ۱۳۸۳

شمارگان : ۲۲۰۰

لیتوگرافی : صدرا (زنجان)

چاپ : سعادت (زنجان)

صحافی : ایران زمین (زنجان)

قیمت : ۱۰,۰۰۰ ریال

ISBN: 964-95440-0-3

شابک : ۹۶۴-۹۵۴۴۰۰۰۰-۳

(کلیه حقوق، برای ناشر محفوظ است)

فهرست مطالب و عناوین

مقدمه	۱۱
منطق استنباط قوانین یا اصول فقه	۱۱
تعریف علم اصول فقه	۱۲
موضوع علم اصول فقه	۱۳
فوائد علم اصول فقه	۱۴
بخش اول - مباحث الفاظ	۱۵
فصل اول - اقسام دلالت	۱۶
- وضع الفاظ	۱۷
- دلالت وضعی	۱۷

۱۸	- اقسام وضع لفظ
۲۰	- اقسام وضع
۲۰	- حقیقت و مجاز
۲۱	- فرق استعمال یا وضع لفظ
۲۲	- شرایط استفاده از الفاظ به صورت مجاز
۲۲	- نشانه‌های حقیقت و مجاز
۲۴	- اقسام حقیقت و مجاز
۲۵	- حالات پنجگانه ی لفظ
۲۶	- اصول لفظیه
۳۰	فصل دوم - اوامر
۳۰	- ماده‌ی امر
۳۰	- صیغه ی امر
۳۱	الف: دلالت امر بر وجوب
۳۱	ب: اقسام وجوب
۳۱	۱- وجوب مطلق و وجوب مشروط
۳۲	۲- وجوب معلق و منجز
۳۳	۳- وجوب نفسی و وجوب غیر
۳۴	۴- واجب عینی و کفایی
۳۴	۵- واجب تعیینی و تخییری
۳۵	فصل سوم - نواهی
۳۵	الف: الفاظ مفید نهی
۳۶	ب: دلالت نهی بر تحریم
۳۶	ج: آیا نهی موجب فساد است
۳۸	فصل چهارم - مفهوم و منطوق
۳۹	۱- اقسام منطوق

۳۹	الف - منطق صریح
۴۰	ب: منطق غیر صریح و اقسام آن
۴۰	دلالت اقتضا
۴۱	دلالت تنبیه و ایما
۴۲	دلالت اشاره
۴۲	۲- اقسام مفهوم
۴۳	مفهوم موافق
۴۴	اقسام مفهوم موافق
۴۵	مفهوم مخالف
۴۶	اقسام مفهوم مخالف
۴۶	۱- مفهوم شرط
۴۷	۲- مفهوم غایت
۴۸	۳- مفهوم حصر
۴۹	۴- مفهوم وصف
۵۱	۵- مفهوم لقب
۵۱	۶- مفهوم عدد
۵۳	فصل پنجم - عام و خاص
۵۴	اقسام عام
۵۴	۱: عام استغراقی یا افرادی
۵۴	۲: عام مجموعی
۵۵	۳: عام بدلی
۵۶	الفاظ عموم
۵۶	تخصیص و اقسام آن
۵۷	۱: مخصص متصل و منفصل
۵۷	۲: مخصص لفظی و عقلی

۵۸	۳: مخصص مبین و مخصص مجمل
۵۸	شرایط استناد به عام
۶۰	اجمال مخصص
۶۰	۱: اجمال مخصص مفهومی
۶۲	۲: اجمال مخصص مصداقی
۶۴	- جستجوی مخصص
۶۵	مخصص مفهومی
۶۵	۱: تخصیص عام به وسیله‌ی مفهوم موافق
۶۵	۲: تخصیص عام به وسیله‌ی مفهوم مخالف
۶۶	نسخ
۶۷	- نسخ و تخصیص
۶۸	- تفاوت نسخ و تخصیص
۶۹	- تعارض عام و خاص (متصل) از نظر زمان
۷۰	- اصل تاخر حادث
۷۲	فصل ششم - مطلق و مقید
۷۲	۱- الفاظ مطلق
۷۳	۲- ویژگی‌های اطلاق و تقید
۷۴	۳- فرق عام و مطلق
۷۷	۴- انصراف و اطلاق
۷۸	۵- راه حل تعارض بین مطلق و مقید
۸۰	بخش دوم - مباحث عقلی
۸۰	الف: ملاک‌ها و مناط‌های احکام و قوانین
۸۲	ب: استلزامات عقلی
۸۵	۱- مقدمه‌ی واجب
۸۵	الف: علت وجوب مقدمه‌ی واجب

ب: مقدمه‌ی مفوته	۸۶
ج: خصایص وجوب غیرى	۸۶
د: مقدمه‌ی واجب از نوع وجودى است نه وجوبى	۸۷
۲- اجزا	۸۷
الف: اجزا در مورد امر واقعى اولى	۸۸
ب: اجزا در مورد امر واقعى ثانوى و اضطرارى	۸۸
ج: اجزا در مورد امر ظاهرى	۸۸
۳- بحث ضد	۸۹
- ضد عام و ضد خاص	۹۰
۴- اجتماع امر و نهى	۹۰
۵- قیاس اولویت	۹۱
- عناصر قیاس	۹۱
- قیاس اولویت از اقسام قیاس جلی	۹۲
۶- دلالت نهى بر فساد و بطلان	۹۲
۷- إذن در شى إذن در لوازم آن هست یا نه؟	۹۴
- کلیات خمس	۹۴
- ویژگی‌های های إذن	۹۶
- اقسام الزام عقود	۹۶
- بررسی قاعده‌ی « علت إذن در شى إذن در لوازم آن است »	۹۷
- نمونه‌هایی از این قاعده	۹۸
بخش سوم- مباحث حجت	۹۹
آماره	۹۹
نحوه‌ی قانون‌گذاری برای موارد مجهول	۱۰۰
مقایسه‌ی آماره	۱۰۱
۱- آماره‌ی حکمیه	۱۰۱

۱۰۲	۲- اماره ی موضوعیه
۱۰۲	- تفاوت اماره و اصل
۱۰۴	- ملاک حجیت اماره
۱۰۴	- قطع
۱۰۴	الف: قطع طریق
۱۰۴	ب: قطع موضوعی
۱۰۶	- اقسام ظن
۱۰۶	۱- ظن شخصی و ظن نوعی
۱۰۷	۲- ظن خاص و ظن مطلق
۱۰۷	۳- ظن طریق و ظن موضوعی
۱۰۹	- اقسام ظن معتبر
۱۰۹	۱: ظن خاص
۱۰۹	۱- آمارات
۱۰۹	الف: حجیت ظواهر الفاظ
۱۱۲	ب: حجیت قول لغوی
۱۱۲	۲- حجیت اجماع
۱۱۴	۳- حجیت شهرت
۱۱۴	۴- حجیت خبر واحد
۱۱۶	۲: ظن مطلق: انسداد باب علم و عملی
۱۱۷	- امارات در حقوق موضوعه
۱۱۸	بخش چهارم- اصول عملی
۱۲۰	- اقسام اصل: لفظی و عملی
۱۲۰	- مقایسه ی اصول عملی با امارات
۱۲۲	- مجاری اصول عملیه
۱۲۲	۱- اصل براءت

۱۲۲	- اقسام اصل برائت
۱۲۵	- ویژگی های اصل برائت
۱۲۶	- اصل عدم
۱۲۶	- تفاوت اصل عدم با اصل برائت
۱۲۷	- مقایسه ی اصل اباحه با اصل برائت
۱۳۰	- موارد کاربرد اصل برائت
۱۳۰	- شبهه ی حکمی
۱۳۱	- شبهه ی موضوعی
۱۳۲	- اقسام شبهه ی موضوعی
۱۳۳	۲- اصل تخییر
۱۳۴	موضوع اصل تخییر
۱۳۴	۱- تخییر بین دو یا چند دلیل متعارض
۱۳۶	۲- تخییر بین دو حکم متزاحم
۱۳۷	۳- تخییر بین محذورین
۱۳۷	۴- تخییر بین افراد واجب
۱۳۸	۳- اصل احتیاط و اشتغال
۱۴۰	- مجرای اصل احتیاط و اشتغال
۱۴۰	- موارد کاربردی اصل احتیاط
۱۴۲	- مقایسه ی اصل خطر با اصل احتیاط
۱۴۳	۴- اصل استصحاب
۱۴۵	- عناصر تشکیل دهنده استصحاب
۱۴۶	- ادله ی حجیت استصحاب
۱۴۷	- اقسام استصحاب
۱۴۷	- اقسام استصحاب از جهت مستصحب
۱۴۷	الف: استصحاب وجودی و عدمی

ب: استصحاب حکمی و موضوعی	۱۵۰
- اقسام استصحاب از جهت منشأ شک لاحق	۱۵۱
۱- به واسطه شک در مقتضی	۱۵۱
۲- به واسطه ی شک در رافع	۱۵۲
۳- به واسطه ی شک در رافعیّت موجود	۱۵۲
- استصحاب فقهی	۱۵۲
- تعارض استصحاب با ادله ی دیگر	۱۵۳
- تعارض استصحاب با دلیل و اماره	۱۵۳
- تعارض استصحاب با اصول عملی	۱۵۵
- تعارض قاعده‌ی ید با استصحاب	۱۵۶
- تعارض استصحاب با اصل صحت	۱۵۷
بخش پنجم - تعارض ادله	۱۶۰
- اقسام تعارض	۱۶۰
الف: تعارض واقعی	۱۶۰
ب: تعارض ظاهری	۱۶۳
۱- تزامم	۱۶۳
- نمونه هایی از تزامم	۱۶۳
- راه حل تزامم	۱۶۴
- مقایسه‌ی تعارض و تزامم	۱۶۵
۲- تخصیص	۱۶۶
۳- تخصّص	۱۶۷
۴- ورود	۱۶۷
۵- حکومت	۱۶۹
۶- جمع عرفی	۱۷۰
- فرق حکومت و تخصیص	۱۷۲

مقدمه

ساختار دانش بشر از علوم مختلفی که هر یک در موضوعی به کند و کاو و گره‌گشایی می‌پردازد تشکیل شده است. یکی از مهم‌ترین بخش‌های هر رشته‌ی علمی، بخشی است که به اصول کلی حاکم بر پژوهش، در آن رشته می‌پردازد. (مانند: روش‌های درست تشخیص موضوعات و بررسی آن‌ها و شیوه‌های صحیح نتیجه‌گیری)

ناگفته پیداست که به لحاظ ترتیب علمی، مطالب این بخش، حاکم بر دیگر بخش‌های هر رشته‌ی علمی می‌باشد. در علم فقه و حقوق نیز که مورد بحث ماست این بخش را با نام «اصول فقه» می‌شناسند.

علم اصول یکی از مهم‌ترین علوم است که در درک حقوق موضوعه لازم می‌باشد. این علم روش صحیح استنباط از منابع حقوقی و فقهی را به ما می‌آموزد. از این رو علم اصول مانند علم منطق یک علم دستوری و به «فن» نزدیک تر است تا «علم». در این علم درباره‌ی یک سلسله «بایدها» سخن می‌رود نه درباره‌ی یک سلسله «است‌ها».

نظر به این که رجوع به منابع و مدارک حقوقی و فقهی به گونه‌های خاص ممکن است صورت گیرد و احیاناً "منجر به استنباط‌هایی گردد که برخلاف واقعیت و نظر واقعی قانون‌گذار می‌باشد، لذا ضرورت دارد که روش صحیح مراجعه به منابع و مدارک و شیوه‌ی درست استخراج و استنباط قوانین به صورت مجموعه‌ای منظم و قانونمند، تدوین گردیده و مورد عمل قرار گیرد.

منطق استنباط قوانین یا اصول فقه

«اصول فقه» مرکب اضافی و دارای دو جزء است:

الف - اصول، جمع اصل است، اصل دارای معنی لغوی و معنای اصطلاحی

است.

اصل در لغت

بخشی از یک چیز است که سایر بخش‌های آن چیز بر آن بنا می‌شوند یا بدان

پایدار می مانند^۱

اما اگر اصول فقه را نسبت به فقه ملاحظه کنیم، علم اصول فقه اصل است برای فقه و فقه فرع آن است.

اصل در اصطلاح

اصل در اصطلاح اصولیین در یکی از معانی پنجگانه‌ی زیرین به کار می‌رود:

۱- اصل در برابر فرع و به عبارت دیگر موضوع حکم ثابت (از طرف قانون گذار) را اصل گویند و موضوع دیگری را که ثابت نیست فرع گویند^۲

۲- اصل به معنی راجح و ظاهر؛ مثل این که گویند اطلاق اصل تقیید است یا اصل اطلاق است یعنی هنگامی که در موردی تردید حاصل شود به این که قانونی را بر معنی مطلق آن یا بر معنای مقید آن حمل کنند در جایی که قرینه‌ای وجود ندارد حمل مفهوم و معنای قانون بر معنای مطلق خود اصل است یعنی رجحان دارد و به عبارت دیگر اطلاق معنای روشن و ظاهر قانون است.^۳

۳- اصل به معنی دلیل یعنی کاشف از مفهومی راهنمای بدان؛ مثل این که برای اثبات حکمی می‌گویند اصل در این حکم قانون است.^۴

۴- اصل به معنی قاعده یا پایه و اساس که چیزی روی آن قرار گیرد.

۵- اصل به معنی آنچه برای تشخیص پاره‌ای از قوانین ظاهری و تشخیص وظیفه‌ی موظفین به قانون است در صورتی که به قوانین واقعی دسترسی نیست مانند اصل برائت.

ب - فقه در لغت به معنی فهم دقیق و نافذ است. و در اصطلاح فقه عبارت است علم به احکام شرعی از راه ادله‌ی تفصیلی آن‌ها^۵

تعریف علم اصول فقه

در تعریف اصول فقه تعبیر گوناگونی به کار رفته است که ذیلاً به آن اشاره می‌کنیم. محقق خراسانی اصول فقه را چنین تعریف کرده است: اصول فقه عبارت است از علم به قواعدی که برای به دست آوردن احکام شرعی فرعی تهیه و آماده

۲- معالم الدین ص ۲۱۳

۴- الاصول العامة فی الفقه المقارن ص ۱۰

۱- اصول فقه ج اول / ص ۱/

۳- کشاف اصطلاحات الفنون

۵- المدخل للفقہ الاسلامی ص ۳۵-۳۶